



رویای کمپ دیوید جدید

موانع عادی سازی روابط عربستان و اسرائیل و تحقق خواست آمریکا چیست؟

عربستان سعودی تا به امروز از آن بر خوردار نبوده است. هر چند مشخص نیست کاخ سفید پیش از ۱۷ اکتبر تا چه سطحی با خواست ریاض همراه شده بود اما محمد بن سلمان موفق شده بود تا این موضوع را در دستور کار دولت ایالات متحده قرار دهد؛ به نحوی که برت مک گورک، هماهنگ کننده خاور میانه کاخ سفید، ماه‌ها برای میانجی‌گری توافق نامه‌های اقتصادی و امنیتی که روابط بین عربستان سعودی و اسرائیل را از حالت انجماد خارج می‌کرد، کار می‌کرد و پادشاهی عربستان دیگر از دید واشنگتن «منفور» نبود و همچنین در حالی که در سه سال نخست ریاست جمهوری، هیچ‌یک از اعضای خاندان سلطنتی سعودی همچنان کاخ سفید نشده بودند، در ۳۰ اکتبر ۲۰۲۳، خالد بن سلمان، وزیر دفاع عربستان راهی پایتخت آمریکا شد تا در خصوص روابط دوجانبه و تحولات غزه با مقامات ایالات متحده به گفت‌وگو بنشینند. در همین راستا نیز خردادماه سال جاری، رسانه‌ها خبر دادند که ریاض و واشنگتن به امضای پیمان دفاعی نزدیک می‌شوند و آمریکا براساس این توافق، عربستان سعودی را متحد اصلی خارج از ناتو برای خود تلقی خواهد کرد.

با این حال شرایط برای تحقق این سیاست جویابین، همانطور که دنیس راس نیز تشریح کرده، به هیچ عنوان آسان نیست؛ عربستان سعودی خواهان توافق امنیتی با ایالات متحده است اما در عین حال می‌داند دولت آمریکا پیش از تحقق دستور عادی سازی روابط ریاض با تل آویو قادر به همراهی سنا برای تصویب این توافق نخواهد بود، در عین حال آنچه در ۱۰ ماه گذشته بر ملت فلسطین گذشته و هر روز ابعاد فاجعه‌بارتری به خود می‌گیرد، دست‌سودهای رابری از سرگیری مذاکرات تصهونیست‌بسته است، وزارت خارجه عربستان ۱۸ بهمن ۱۴۰۲ و پس از سفر آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا به عربستان و دیدار با ولیعهد این کشور، در بیانیه‌ای اعلام کرد که دولت آمریکا را از موضع ثابت خود درباره برقراری روابط دیپلماتیک بین ریاض و تل آویو مطلع کرده است و آن اینکه تا زمانی که دولت فلسطین در مرزهای ۱۹۶۷ به پایتختی قدس شرقی به رسمیت شناخته نشود و حمله به غزه متوقف نشود، روابط دیپلماتیکی با اسرائیل برقرار نخواهد شد. عربستان سعودی یکی از حامیان بزرگ ابتکار صلح عربی در سال ۲۰۰۲ بوده است که عادی سازی روابط با اسرائیل را مشروط به خروج این رژیم از خاک فلسطین و بلندی‌های جولان سوریه می‌داند. این ابتکار همچنین شامل ایجاد یک کشور فلسطینی و همچنین یافتن یک راه حل عادلانه برای مصیبت میلیون‌ها پناهنده فلسطینی و فرزندان آنها است که بیشتر آنها در کمپ‌های پناهندگان در کشورهای همسایه زندگی می‌کنند.

این در حالی است که کنست اسرائیل در خردادماه سال جاری، با اکثریت قاطع آرای نمایندگان به قطعنامه‌ای رای داد که تاسیس کشوری فلسطینی تحت هر عنوانی را رد می‌کند. این قطعنامه که با همکاری مشترک احزاب عضو ائتلاف دولت فعلی به نخست‌وزیری بنیامین نتانیاهو با احزاب راستگرای مخالف تهیه شده بود و حزب

چنین توافقی منطقه‌پراشوب را اثبات خواهد کرد و ایران را که به‌طور فزاینده‌ای جسورتر شده، محدود می‌کند. در این صورت ایالات متحده آزاد خواهد بود تا منابع خود را از خاور میانه و به سمت آسیا و اروپا منتقل کند. در این حالت جهان عرب حتی ممکن است بخشی از یک کریدور تجاری بلندپروازانه اوراسیا شود که اقیانوس هند را به دریای مدیترانه متصل می‌کند؛ شراکتی که می‌تواند با طرح کمربند و جاده چین رقابت کند.

زمانی که محمد بن سلمان در ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۳ در مصاحبه‌ای با فاکس نیوز، مذاکرات کشورش با اسرائیل را تأیید و عنوان کرد که چشم‌انداز عادی سازی روابط بین دو کشور هر روز نزدیک‌تر می‌شود؛ شمارش معکوس برای اعلام قریب‌الوقوع توافق میان ریاض و تل آویو آغاز شد ۱۷ روز بعد عقربها ایستاد. جویابین، رئیس‌جمهور ایالات متحده که امید داشت در روزهای منتهی به آغاز کمپین انتخابات سال ۲۰۲۴، خبر توافق ریاض و تل آویو را اعلام کند، ۲۹ مهرماه در یک سخنرانی گفت: «یکی از دلایل اینکه چرا حماس با اسرائیل حمله کرد، این بود که آنها می‌دانستند من در آستانه نشست با سعودی‌ها هستم». وی افزود: «حماس یک حمله مرگبار را در ۷ اکتبر آغاز کرد زیرا، حدس بنزید به‌خاطر چی؟ سعودی‌ها می‌خواستند اسرائیل را به رسمیت بشناسند و تقریباً می‌توانستند به‌طور رسمی این کار را انجام دهند». حال و با گذشت نزدیک به ۱۰ ماه از جنگ در غزه، بار دیگر آمریکا در تلاش است تا پروژه توافق ابراهیم را این بار با هدف پایان جنگ، به روی میز سیاست خارجی خاور میانه‌ای کاخ سفید بازگرداند؛ دنیس راس، مشاور سیاست خارجی دولت باراک اوباما در یادداشتی برای فارن افز می‌نویسد: «عادی سازی روابط عربستان و اسرائیل به وضوح در خدمت منافع ملی ایالات متحده است و منافع اسرائیل را نیز تأمین خواهد کرد. هنگامی که نتانیاهو در اواخر سال ۲۰۲۲ قدرت را به دست گرفت، انعقاد معاهده صلح با عربستان سعودی را به عنوان اولویت اصلی خودش عنوان کرد، زیرا این پیمان اسرائیل را در یک استراتژی منطقه‌ای گسترده‌تر برای مقابله با ایران و نیروهای مورد حمایتش ادغام می‌کرد. پیگیری این هدف در حال حاضر نیز به او اجازه می‌دهد تا بخشی از اعتباری را که با حمله حماس به اسرائیل در اکتبر گذشته از دست داده بود، پس بگیرد». وی می‌افزاید: «عادی سازی روابط به نفع عربستان نیز خواهد بود. انعقاد یک معاهده دفاعی با ایالات متحده، امنیت ملی عربستان سعودی را تقویت کرده و به پادشاهی عربستان اجازه می‌دهد تا بر اولویت واقعی خود نظیر تحول اجتماعی و اقتصادی که در چشم‌انداز اقتصادی و رهبری جهانی در انرژی‌های تجدیدپذیر، تمرکز کند. شاهزاده محمد بن سلمان رهبر بالفعل عربستان سعودی این طرح‌ها را کلید آینده خود در قدرت می‌داند.»

پیش از تحولات اخیر این چنین عنوان شده بود که ریاض خواهان سطوحی از تضمین‌های امنیتی، از جمله تسلیحات پیشرفته و فناوری نظامی را از طرف آمریکایی طلب می‌کند که



دنيس راس
مشاور سياست خارجي
دولت باراک اوباما:

صلح یک شبه به دست نمی‌آید، اما دولت بایدن می‌تواند مسیر متفاوتی را ترسیم کند. هیچ کس نمی‌تواند تراژدی ۹ ماه گذشته را از میان ببرد. اما یک رویکرد بهتر؛ یعنی رویکردی که بر حقوق و مسئولیت‌های همه طرف‌ها تأکید می‌کند، می‌تواند فصل جدیدی را برای خاور میانه رقم بزند

پس از شکست اعراب در جنگ‌های شش‌روزه (۱۹۶۷) و یوم کبیرور یا رمضان (۱۹۷۳)، مصر اولین کشور عربی بود که در سال ۱۹۷۹ در قالب «معاهده کمپ دیوید»، روابط خود را با اسرائیل آغاز کرد. این توافق در مراسمی با حضور انور سادات، رئیس‌جمهور وقت مصر و مناحیم بگین، نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی و با نظارت جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا امضا شد که از یک مقدمه ۹ ماده‌ای پیوسته‌ها و اسناد ویژه تدابیر امنیتی و عادی سازی روابط و عقب‌نشینی اسرائیل از صحرای سینا تشکیل می‌شد. هر چند افزوده شدن کشوری جدید به لیست کشورهای عربی دارای روابط عادی با اسرائیل سال‌ها به طول انجامید و اردن پس از ۱۵ سال با «پیمان وادی عربیه» و پس از ۲۶ سال، بحرین و امارات در قالب «توافق ابراهیم»، روابط خود با اسرائیل را عادی کردند اما نباید فراموش کرد که این مصر بود که برای نخستین بار، قبح رابطه با رژیم اشغالگر را شکست.



فاطمه کلانتری
خبرنگار گروه دیپلماسی

عادی سازی روابط عربستان سعودی نیز از این جهت برای ایالات متحده و اسرائیل حائز اهمیت است که با پیوستن «خادم حرمین شریفین» به توافق ابراهیم، شاید دیگر هیچ کشور عربی خود را «کاسه داغ‌تر از آش» حمایت از آرمان فلسطین نداند و بی‌هیچ ترسیمی از پاسخی‌هایی به افکار عمومی، متقاضی بعدی پیوستن به طرح دونالد ترامپ و داماد پهلوی اش شود. هر چند محمد صیغ، فرمانده گردان‌های عزالدین قسام، در پیامی ضبط‌شده در روز اول عملیات طوفان الاقصی، گفت که این حمله در واکنش به هتک حرمت مسجد الاقصی و کشته و زخمی شدن صدها فلسطینی در سال جاری از سوی نیروهای اسرائیل بوده است، اما نخستین دستاورد منطقه‌ای آنچه در بامداد ۷ اکتبر رخ داد، تعلیق روند عادی سازی روابط عربستان سعودی و اسرائیل بود و نزدیک به یک هفته پس از آغاز جنگ در غزه، خبرگزاری‌ها گزارش دادند که مقام‌های عربستان سعودی قصد ندارند مذاکرات عادی سازی روابط با اسرائیل را پایان دهند، اما فعلاً این گفت‌وگوها را متوقف می‌کنند تا زمانی که خشونت‌ها در منطقه کاهش یابد.

توافق ابراهیم که در دولت پیشین آمریکا و با ابتکار دونالد ترامپ جمهوری خواه شکل گرفت، در دولت دموکرات جو بایدن نیز مورد توجه قرار گرفت؛ فارن افز پیش‌تر در مطلبی با عنوان «فشار خطرناک برای عادی سازی اسرائیل و عربستان» می‌نویسد: «جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، در طول سه سال اول ریاست جمهوری، استراتژی خاور میانه‌ای خود را بر پروژه واحد و سرراست عادی سازی روابط بین اسرائیل و عربستان سعودی بنا نهاد. واشنگتن فکر می‌کرد که متحدانش را هدف قرار دهد. اما یکبار به آن اعتماد به نفس بالا تبدیل به احساس عمیق آسیب‌پذیری شد. حمله حماس موجب از هم پاشیدن اکثر مفروضه‌های بنیادین اسرائیل گشته است؛ اینکه برتری نظامی و تکنولوژیک آن‌ها می‌تواند موجب بازدارندگی در برابر دشمنان‌اش شود و اینکه آن‌ها می‌توانند بدون حرکت به سمت صلح با فلسطینیان، پشت دیوارها به شکلی امن به حیات خود ادامه دهند. آنگونه که یکی از مقام‌های ارشد امنیت ملی اسرائیل صراحتاً به من گفت، اکنون بسیاری در دستگاه امنیتی اسرائیل متوجه شده‌اند که «اسرائیل آنقدرها هم قدرتمند نیست»، به علاوه، تأثیری که حمله ماه آوریل ایران به اسرائیل داشته، در خارج از اسرائیل دست‌کم گرفته شده است. اسرائیل در حمله به جلسه فرماندهان سپاه قدس در ساختمان سفارت ایران در دمشق مرتکب اشتباه محاسباتی واضحی شد. تل آویو انتظار چنین پاسخی سابقه، گسترده و مستقیمی را که طی آن صدها موشک و پهپاد مستقیماً از خاک ایران به سمت اسرائیل شلیک شد نداشت. اگر چه اسرائیلی‌ها دفاع پیچیده و هماهنگ شکل گرفته به رهبری آمریکا را که موجب دفع حمله ایران شد را تحسین کردند، اما این شکل از دفع حمله به تصویر آن‌ها به عنوان یک دولت متکی به خود لطمه زد. تحلیلگران اسرائیلی از این موضوع خوشنود بودند که اقدام تلافی جویانه اسرائیل، یعنی حمله محدود به یک پایگاه نظامی در اصفهان توانمندی اسرائیل در هدف‌گیری دقیق اهدافی در داخل ایران را به نمایش گذاشت، اما مقام‌های اسرائیلی لزوماً از اینکه به بازدارندگی از طریق انکار، یعنی متقاعد کردن دشمن مبنی بر عدم موفقیت حملات، آنگونه که ایالات متحده نیز آن را ترجیح می‌داد، بسنده کنند راضی نیستند.

